

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسش‌نامه شیوه زندگی (BASIS-A) بر روی جوانان ۱۸ تا ۴۰ سال

مژگان بشیری

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر حمید علیزاده

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر ابولفضل کرمی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه مقیاس‌های اساسی آدلری برای موفقیت بین فردی - نسخه بزرگسالان (آزمون شیوه زندگی) (BASIS-A)، و دستیابی به ابزاری دقیق در سنجش شیوه زندگی برای نمونه جمعیت ایرانی اجرا گردید. در این پژوهش با به‌کارگیری روش تحلیل عاملی ساختار پرسشنامه مزبور در نمونه جمعیت ایرانی بررسی شد و همچنین به مقایسه این نمونه با توجه به جنس پرداخته شد. در نهایت نیمرخ نمونه مورد نظر ارائه گردید. بدین منظور اطلاعات پرسش‌نامه‌های نمونه تحقیق شامل ۵۱۳ نفر زن و مرد در تهران که ۴۶/۴ درصد مرد و ۵۳/۶ درصد زن و ۶۵/۵ درصد متأهل و ۳۴/۱ درصد مجرد بودند و از نظر ترکیب سنی در دامنه ۱۸ تا ۴۰ سال قرار داشتند، و از میانگین سنی ۲۹/۴ و انحراف استاندارد ۷ برخوردار بودند، مورد مطالعه قرار گرفت و برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، داده‌های حاصل به کمک روش تحلیلی عاملی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این مطالعه ضمن ارائه هنجار ایرانی پرسش‌نامه BASIS-A، نشان داد که این پرسش‌نامه در نمونه جمعیت ایرانی همانند نسخه اصلی دارای ۵ عامل اصلی تحت عنوان نیاز به تأیید، کنار آمدن،

مسئولیت‌پذیری، محتاط بودن و تعلق - علاقه اجتماعی است و از ۵ عامل فرعی به دست آمده چهار عامل با عامل‌های پرسش‌نامه اصلی همبستگی بالا داشت و تحت عنوان کوشش برای رسیدن به کمال، مستحق بودن، مورد علاقه هم بودن و ملایمت نام‌گذاری شد و فقط یکی از عامل‌ها با عامل پرسش‌نامه اصلی همبسته نبود ولی به دلیل همبستگی سؤال‌های آن با پرسش‌نامه اصلی به عنوان عامل فرعی جانبی در پرسش‌نامه نگه داشته شد. به عنوان نتیجه‌گیری کلی می‌توان از آزمون BASIS-A برای ارزیابی شیوه زندگی در فرآیند روان‌درمانی، مشاوره خانواده و مشاوره و هدایت شغلی و تحصیلی استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: شیوه زندگی، آدلری، روان‌سنجی

مقدمه

آلفرد آدلر^(۱) مفهوم شیوه زندگی^(۲) برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ بیان کرد. این مفهوم به مثابه مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی است که هر فرد به طور ذهنی در سال‌های اولیه کودکی آن را در قالب نوعی طرحواره نظام یافته فردی در بافت اجتماعی خانواده، برای خود، طراحی می‌کند. کودک، شیوه‌های مختلف رفتاری را در پاسخ به محیط می‌آزماید و سپس دیدگاه یگانه خود را در مورد خود، دیگران و جهان ایجاد می‌کند (کرن^(۳)، ویلر^(۴) و کارلت^(۵)، ۱۹۹۷). شیوه زندگی به اشکال مختلف مساوی با خود یا من^(۶)، شخصیت فرد^(۷)، یگانگی شخصیت، فردیت^(۸)، شکل فردی عمل خلاق، شیوه رویارویی فرد با مشکلات، نظر و عقیده درباره خود و مشکلات زندگی، و تمام نگرش‌های فرد درباره زندگی است (آنسباچر و آنسباچر^(۹)، ۱۹۵۶).

آدلر (۱۹۵۶)، به نقل از موزاک و مانیاکسی^(۱۰) (۱۹۹۹) چنین بیان می‌کند که: «دیدگاه کودک نسبت به زندگی، غایت نگرش او به زندگی است، نه فقط ترکیبی در کلمات، بلکه ابراز آن در فکر، و شاهکار خود فرد است. بنابراین، کودک به «قانون

1. Alfred Adler

3. Kern

5. Curlette

7. personality

9. Ansbacher & Ansbacher

2. life style

4. Wheeler

6. self or ego

8. individuality

10. Mosak & Maniaci

حرکت^(۱)» خود می‌رسد، که به او بعد از به‌دست آوردن میزان خاصی از آموزش، کمک می‌کند تا به شیوه‌ای خاص برای تفکر، احساس و عمل در طول زندگی دست بیابد.»

به اعتقاد آدلر، شیوه‌های زندگی دائمی افراد، شکل‌گسترش یافته شیوه زندگی اولیه او است و با مشاهده برخورد افراد با سه تکلیف مهم زندگی خود که عبارتند از: کار^(۲)، جامعه^(۳)، و روابط صمیمانه^(۴)، می‌توان به شیوه زندگی آنها پی برد. زیرا شیوه زندگی در انتخاب کار، نحوه ارتباط با دیگران و عشق منعکس می‌شود (شارف^(۵)، ۱۹۹۶). این شیوه بر اساس ادراک‌ها، خاطره‌های اولیه^(۶) و اشتباه‌های اساسی فرد در زندگی به وجود می‌آید و به‌طور کلی در طول زندگی ثابت است و اگر از بیرون در آن دخالتی نشود، تغییر نمی‌کند. این الگو به افراد کمک می‌کند تا بر اساس آن دنیای پیرامون خود را سازمان‌دهی، درک، پیش‌بینی و کنترل کنند (تامسون و رادولف^(۷)، ۲۰۰۰).

موزاک و مانیاکسی (۱۹۹۹) برای توجیه پدیدآیی شیوه زندگی سه فرض اساسی مطرح می‌کنند.

- ۱- شیوه زندگی به ما کمک می‌کند تا زندگی را بهتر درک کنیم، ارتباط برقرار کنیم، کاوش کرده و فرضیه بسازیم. شیوه زندگی به ما اجازه می‌دهد تا احساسات خود را نه تنها درباره این‌که ما که هستیم و در مورد زندگی و ارتباط بشر با آن، پرورش دهیم.
- ۲- شیوه زندگی به ما این فرصت را می‌دهد تا زندگی را پیش‌بینی کنیم. بدون شیوه زندگی در یک دور بازگشتی^(۸) از شکست قرار می‌گیریم که در آن مجبور خواهیم بود بارها و بارها اشتباه‌ها و شکست‌ها را تجربه کنیم. در مقابل با داشتن نوعی نقشه و برنامه می‌توانیم طرح‌هایی برای آینده پیش‌بینی کرده و بر طبق آن تصمیم بگیریم.
- ۳- شیوه زندگی فرصت‌هایی برای ما فراهم می‌کند تا زندگی را کنترل کنیم. اگرچه کنترل مکان امکان‌پذیر نیست اما در سطحی عمل‌گرایانه، ما تا حدی قادر به کنترل هستیم:

1. Law of Movement

3. society

5. Sharf

7. Thompson & Rudolph

2. work

4. intimacy

6. early recollections

8. recursive

من می‌توانم آنچه را که می‌خواهم به دست آورم. می‌توانم از اتفاقاتی که می‌خواهد رخ دهد، جلوگیری کنم. ما می‌توانیم موقعیت‌هایی را به وجود آوریم تا راه زندگی مان را پیدا کنیم.

آدلر چهار طبقه‌بندی برای شیوه زندگی افراد مطرح نموده است: سودمند^(۱)، گیرنده^(۲)، حکمران^(۳)، و اجتنابی^(۴) (اسنو^(۵)، ریتز^(۶) و کرن، ۲۰۰۲). پس از آدلر، پژوهشگران با الهام از او، طبقه‌بندی‌های جدیدی از مؤلفه‌های شیوه زندگی ارائه داده‌اند از جمله کرن و اکستین^(۷) (۲۰۰۲) پنج مفهوم را در این سازه کلی متمایز ساخته‌اند: کنترل^(۸)، کمال‌گرایی^(۹)، نیاز به خشنودی^(۱۰)، عزت نفس^(۱۱) و انتظارها^(۱۲).

با توجه به این‌که درمان‌گران آدلری فرآیند روان‌درمانی را شامل چهار مرحله می‌دانند که طی آن پس از ایجاد ارتباط، درمان‌گر باید به ارزیابی و بررسی پویایی‌های شیوه زندگی مراجع پرداخته تا بتوانند با ایجاد بینش و آگاهی، اقدام به جهت‌دهی مجدد و بازآموزی نمایند، بنابراین، همواره روش‌های ارزیابی شیوه زندگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ارزیابی شیوه زندگی

فرآیند ارزیابی شیوه زندگی، شامل کمک به یافتن معنای واقعی آن چیزی است که در ظاهر به درمان‌گر گفته می‌شود. بنابراین، ارزیابی شیوه زندگی روشی خلاق برای کمک به آگاه شدن از «داستان زندگی من»^(۱۳) مراجع است. روشی برای آگاهی از جهان درونی فرد. آگاهی از جهان درونی فرد شامل توان بالقوه تخیلی در داستانی که می‌گوید نیز هست و این بازگویی به او کمک می‌کند تا آن را دوباره بنویسد، دوباره بسازد، و یا داستانی را که شامل امکانات و انتخاب‌های جدید است، گسترش دهد (کرن و اکستین، ۲۰۰۲).

- | | |
|----------------------|-------------------|
| 1. useful | 2. getting |
| 3. ruling | 4. avoiding |
| 5. Snow | 6. Ritter |
| 7. Eckstein | 8. control |
| 9. perfection | 10. need to pleas |
| 11. self-esteem | 12. expection |
| 13. Story of My Life | |

در سال‌های اخیر ابزارهای سنجش بالینی، روش‌های نظام‌داری را برای روانشناسان بالینی فراهم کرده است تا به ارزش‌یابی شیوه زندگی بپردازند. موج حرکت مداومی که امروزه به سمت مسئولیت‌پذیری، مراقبت نظارت شده^(۱) و تجربه‌گرایی^(۲) در تجارب بالینی به راه افتاده است. آدلرگراها را بر آن می‌دارد تا پاسخ قانع‌کننده‌ای به این سؤال بدهند که: «آیا مفهوم شیوه زندگی به‌راستی موجودیت دارد؟» و اگر چنین است «آیا می‌توان آن را از یک دیدگاه کمی مورد سنجش قرار داد؟» (اسنو، ریتروکرن، ۲۰۰۲).

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که مهم‌ترین اصول کاربرد بالینی مصاحبه، توسط آدلر تدوین شده است، و پیروان روانشناسی فردنگر راهنماها و فنون مصاحبه‌ای را، در جهت تلاش برای دادن تعریفی از شیوه زندگی فردی، درون مجموعه‌های درمانی و آموزشی، به‌وجود آورده‌اند. تلاش برای ارزیابی شیوه زندگی از طریق روش‌هایی مانند راهنماهای شیوه زندگی^(۳)، پرسش‌نامه‌ها، و روش‌های ارزیابی شیوه زندگی مختصر^(۴)، صورت می‌گیرد (کرن، ویلر و کارلت، ۱۹۹۷).

در واقع پرسش‌نامه‌ها یا دستور عمل‌های مصاحبه‌ای، ابزارهایی استاندارد بودند که برای آموزش دانشجویان و به‌کارگیری در موقعیت‌های بالینی مورد استفاده می‌گرفت. پرسش‌نامه یا راهنماهای شیوه زندگی، نوعی ابزار با سؤال‌های بازپاسخ بود که برای کمک به روانشناسان بالینی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پویایی‌های خانواده، جایگاه ترتیبی فرد (ترتیب تولد)^(۵) در منظومه خانواده^(۶)، و خاطره‌های اولیه‌ای که فرد به یاد می‌آورد، مورد استفاده قرار می‌گرفت (اسنو، ریتروکرن، ۲۰۰۲).

آدلر (۱۹۸۵)، به نقل از شارف (۱۹۹۶)، معتقد بود که خاطره‌ها، اتفاقی به یاد نمی‌آیند بلکه بین خاطره‌های محدود که از بین همه خاطره‌های دوران کودکی خود به یاد می‌آوریم و شیوه زندگی آینده ما رابطه وجود دارد (شولتز، ۱۹۹۰؛ ترجمه کریمی و همکاران، ۱۳۷۸).

خاطره‌های اولیه نشان‌دهنده نگرش‌ها، اعتقادات و انگیزه‌های فعلی مراجع به‌شمار می‌آیند. افراد تنها آن دسته از وقایع دوران اولیه کودکی را به یاد می‌آورند که همسان با

1. managed care
3. lifestyle guide
5. birth order

2. empiricism
4. mini lifestyle assessment
6. family constellation

سید محمدی، ۱۳۸۳).

جو خانوادگی^(۵)، نیز روشی برای کنار آمدن با زندگی است و کودکان از جو حاکم بر خانواده ارزش‌ها و آداب و رسوم را آموخته و سعی می‌کنند که خود را با استانداردهای

1. Jackson & Sechrest
3. Fakour
5. family atmosphere

2. Hafner
4. Laberentz

درون خانواده هماهنگ کنند. البته باید به خاطر داشت که جو خانواده علت تامه رفتار نیست بلکه آنچه بیشترین تأثیر را بر رفتار می‌گذارد، ادراک‌های سوگیرانه^(۱) کودک از جو حاکم بر خانواده است (تامسون و رادولف، ۲۰۰۰).

کودکان در ایجاد شیوه زندگی خاص در منظومه خانوادگی که در آن قرار دارند خودمختار^(۲) و توانا هستند با روش کوشش و خطا^(۳) و مشاهده، نتایجی را در مورد زندگی و جایگاه خود در آن شکل می‌دهند. منظومه خانوادگی از آن جهت اهمیت دارد که کودکان شخصیت‌های مختلفی را بر طبق تفسیری که از جایگاه خود در خانواده در مقایسه با همسیرها^(۴) دارند، شکل می‌دهند (تامسون و رادولف، ۲۰۰۰).

آدلر ترتیب تولد را به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر اجتماعی در دوران کودکی می‌داند که بر مبنای آن فرد شیوه زندگی خود را پدید می‌آورد. واقعیت بزرگتر یا کوچکتر بودن از خواهران و برادران، شرایط کودکی متفاوتی را پدید می‌آورد که اثری گسترده بر شخصیت فرد دارد (شولتز، ۱۹۹۹؛ ترجمه کریمی و همکاران، ۱۳۷۸).

آدلر اعتقاد داشت که افراد همچون یک واحد یک پارچه عمل می‌کنند که در آن افکار، احساسات، عمل، رویا، حافظه و حتی وضعیت جسمانی، همه در یک جهت کار می‌کنند و فرد به صورت یک کل عمل می‌کند که در آن کل، متفاوت و بیش از مجموع اجزا می‌باشد، بنابراین، برای شناخت فرد، باید کل او دیده شود نه اجزا و بخش‌های او بدون توجه به اجزای دیگر (استین و ادواردز^(۵)، ۲۰۰۶). به عقیده آدلر، کودک در سال‌های اولیه زندگی رابطه‌ای بنیادین بین روان و تن^(۶) بنا می‌کند. رشد او شامل موافقتی کلی بین عملکرد این دو است و از طریق این موافقت، قضاوت و درک را یاد می‌گیرد (آدلر، ۱۹۳۳). از نظر آدلر، پرسش این نیست که: «چگونه روان بر تن اثر می‌گذارد؟» یا «چگونه تن بر روان اثر می‌گذارد؟» بلکه پرسش این است که «چگونه فرد تن و روان را در رسیدن به هدف به کار می‌گیرد؟» (علیزاده، ۱۳۸۳).

به هر حال ارزیابی کلی فرد نیاز به افراد تعلیم دیده‌ای داشت که فنون ارزیابی به خوبی دانسته و قادر باشند با استفاده از این روش‌های سیستمی، به درستی شیوه

1. based perceptions
3. trial and error
5. Stein & Edwards

2. self-determining
4. siblings
6. mind & body

زندگی فرد را جستجو کنند. به علاوه از آنجا که این پرسش‌نامه‌ها می‌بایست توسط روانشناسان بالینی ارزیابی شود، روشی وقت‌گیر و برای کار پژوهشی بسیار مشکل بود و محدودیت در تعمیم‌پذیری منافع آموزشی برای حوزه عموم داشت (کرن، ویلر و کارلت، ۱۹۹۷)، و از طرفی هیچ روش منحصر به فردی در گردآوری اطلاعات و هدایت فرآیند مصاحبه شیوه زندگی به کار نمی‌رفت و هریک از متخصص‌ها ممکن بود از روشی خاص برای گردآوری اطلاعات استفاده کند (اسنو، ریتروکرن، ۲۰۰۲).

با توجه به این‌که شیوه زندگی الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار در سراسر زندگی بوده و ایجاد هرگونه تغییر در باورهای راسخ تشکیل شده در فرد، بدون مداخله خارجی و روان‌درمانی میسر نیست، و اولین گام در این راستا درک شیوه زندگی است، که خود مستلزم صرف زمانی طولانی در جلسات روان‌درمانی برای ارزیابی عوامل متعدد مربوط به آن است، لذا این پژوهش درصدد بود تا با معرفی پرسش‌نامه «مقیاس‌های اساسی آدلری برای موفقیت بین فردی - نسخه بزرگسالان»^(۱) (BASIS-A) ابزاری عینی و دقیق جهت تسریع ارزیابی شیوه زندگی و کاهش طول دوره درمان برای جامعه جوانان ایرانی فراهم آورد.

تاریخچه ساخت پرسش‌نامه‌های استاندارد برای ارزیابی شیوه زندگی

کرن و همکارانش در طی سال‌ها آموزش و تدریس در مورد استفاده از مصاحبه شیوه زندگی و اهمیت آن شروع به مفهوم‌پردازی درباره امکان بررسی پژوهشی مفهوم شیوه زندگی نمودند. هدف این بود که در چشم‌اندازی که بیشتر بر اساس پژوهش کمی استوار باشد، اقدام نمایند. این حرکت سرانجام با تدوین پرسش‌نامه شیوه زندگی (LQI)^(۲) در سال ۱۹۷۳ به ثمر نشست. این پرسش‌نامه بر اساس سؤال‌های اولیه و سنتی که خود آدلر در هدایت مصاحبه‌های بالینی از آن استفاده می‌کرد، تهیه و چارچوب مقیاس لیکرت به آن افزوده شد.

از مزایای این پرسش‌نامه این بود که در درجه نخست، متخصصان این توانایی را یافتند که بر سر محتوای اطلاعاتی که از مراجعان درباره شیوه زندگی، از طریق

1. Basic Adlerian Scales for Interpersonal Success-Adult form (BASIS-A)

2. The Lifestyle Questionnaire Inventory (LQI)

پرسش‌نامه‌های نوشتاری، نگاشته بودند توافق کنند و دوم، شمار محدودی از الگوهای شیوه زندگی را مشخص نمایند. علی‌رغم این یافته‌ها، محدودیت‌هایی هم بود از جمله این‌که نیاز به صرف زمان زیاد برای آشنایی با چگونگی درجه‌بندی و نمره‌گذاری داشت، لذا طرح ساخت ابزار بالینی دیگری شکل گرفت (استو، ریتروکرن، ۲۰۰۲).

هم‌زمان با استفاده از این ابزار، نیاز به یک شیوه اندازه‌گیری عینی‌تر برای ارزیابی، کرن را بر آن داشت تا در سال ۱۹۷۵ بر اساس تجارب حرفه‌ای و پژوهش بر ابزار LQI، اقدام به تدوین مقیاس شیوه زندگی کرن^(۱) (KLS) نماید. این پرسش‌نامه مداد-کاغذی بوده و استفاده از آن مستلزم حضور ارزیابان مجرب نیست و برای اجرا در یک موقعیت بالینی زمان زیادی صرف نمی‌گردد. این ابزار دارای ۳۵ سؤال ۵-گزینه‌ای در ۵ خرده‌مقیاس بوده و ظرف مدت کمتر از ۱۰ دقیقه کامل شده و در موقعیت‌های بالینی و غیربالینی قابل استفاده است (اسنو، ریتروکرن، ۲۰۰۲).

در سال ۱۹۷۸ ابزار دیگری تحت عنوان پرسش‌نامه شخصیتی شیوه زندگی (LPI^(۲)) توسط یک تیم پژوهشی متشکل از کرن، ویلر و کارلت معرفی گردید که در واقع نمونه سلف BASIS-A بود. این ابزار بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۹ در پژوهش‌های فراوانی به کار گرفته شد و مؤلفان را بر آن داشت تا به بازنگری در این ابزار پرداخته و به اصلاح مضامین مقیاس‌های آن بپردازند. لذا ابزار دیگری تحت عنوان «مقیاس‌های آدلری برای موفقیت بین فردی - نسخه بزرگسالان» توسط کرن، ویلر و کارلت در سال ۱۹۹۳ تدوین و معرفی گردید که در مبحث ابزار گردآوری اطلاعات به تفضیل به آن پرداخته خواهد شد (اسنو، ریتروکرن، ۲۰۰۲).

این پرسش‌نامه بر مبنای روانشناسی فردنگر آدلر ساخته شده است و اطلاعات به‌دست آمده از آن می‌تواند در گسترش موفقیت‌های بین فردی مورد استفاده قرار گرفته و در محل کار، خانه، مدرسه و زمینه‌های اجتماعی به کار برده شود و فهم عمیق‌تری از مراجعان، برای مشاوران و درمان‌گران به وجود آورد (کرن، ویلر و کارلت، ۱۹۹۷). سامرز^(۳)، کرن، گافروتر^(۴)، کارلوت و ماتنی^(۵) (۱۹۹۶) پژوهشی با عنوان شیوه زندگی،

1. Krenm Lifestyle Scale (KLS)

2. The Lifestyle Personality Inventory (LPI)

3. Summers

شخصیت و فشار روانی انجام دادند. این پژوهش نشان داد که تجربه‌های دوران کودکی به توانایی رویارویی با فشار روانی مربوط است.

علاوه بر این مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از سازه‌های اصلی شیوه زندگی با عملکرد معلم‌ها در کلاس درس رابطه داشت. معلم‌هایی که نمره بالا در مقیاس مسئولیت‌پذیری کسب کرده بودند، بیشتر تلاش می‌کردند تا دانش‌آموزان را کنترل کنند (کسرن، ویلر و کارلت، ۱۹۹۷). همچنین معلم‌های مقطع دبیرستان در مقایسه با مدرسه‌های ابتدایی، به احتمال قوی، به تأیید و پذیرش سبک‌های خودکامانه‌تر و سنت‌گرایانه‌تر برای برقراری نظم در کلاس درس تمایل نشان می‌دادند (کرن و اکستین، ۲۰۰۲). پژوهش دیگری که توسط کرن و همکاران (۱۹۹۹) انجام شد نشان داد که هر قدر سطح علاقه اجتماعی معلم‌ها بالاتر باشد، به همان نسبت برداشت آنها از رفتار دانش‌آموزان به‌عنوان رفتارهای تخریبی و ناشایست کمتر است.

اسنو، ریتز و کرن (۲۰۰۲)، اثر شدید سوءاستفاده جنسی را در شیوه زندگی ۱۶ دختر مقیم در یک اقامتگاه شبانه‌روزی ویژه این نوجوانان بررسی کردند. در این پژوهش از پرسش‌نامه‌های BASIS-A و MMPI-A استفاده شد. نتایج نشان داد این دختران نمره کمی در مقیاس کنار آمدن و نیاز به تأیید داشتند و در محتاط بودن نمره بالایی کسب کرده بودند. نمرخ روانی آنها تصویر فردی را نشان می‌داد که کمتر قوانین را رعایت می‌کند، فاقد میل به همکاری است و به دیگران بی‌اعتماد و بدبین است. در مطالعه‌ای دیگر دینتر^(۶) (۲۰۰۰)، رابطه خودکارآمدی و الگوهای شیوه زندگی را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن بود که هر اندازه نمره‌ها در خرده‌مقیاس‌های تعلق - علاقه اجتماعی و کوشش برای رسیدن به کمال بالاتر باشد، در خودکارآمدی کلی نیز بیشتر است. کمپ و ستر^(۷) (۲۰۰۰)، پژوهشی بر روی رفتارهای ضد اجتماعی انجام دادند. این پژوهشگران از پرسش‌نامه‌های BASIS-A، شخصیتی آیزنک، و زمینه‌یابی ملی جوانان^(۸) در این پژوهش استفاده کردند. از یافته‌های جالب توجه به‌دست آمده از BASIS-A، این

4. Gfroerer

5. Matheny

6. Dinter

7. Kemp & Center

8. national youth survey

بود که نمونه بزهدکار در مقایسه با افراد به‌هنجار، در خرده‌مقیاس‌های «کنار آمدن» و «نیاز به تأیید» دارای نمره‌های پایین‌تری بودند.

گروهی دیگر از مطالعات، پا را از اتکاء به نتایج حاصل از یک مقیاس واحد فراتر نهاده، و استفاده از یک رویکرد نیمرخ‌گونه را برای تبیین، مبنای کار خود قرار داده‌اند. کوتچینز^(۱)، کارلت و کرن (۱۹۹۷)، با در نظر گرفتن ترکیباتی از نمره‌های بالا و پایین به‌دست آمده از BASIS-A، به اطلاعات بیشتری دسترسی یافتند. این مطالعه به ارزش‌یابی شیوه زندگی از طریق مقایسه نتایج به‌دست آمده از BASIS-A، با نتایج حاصل از پرسش‌نامه «اولویت‌های شخصیتی» لانگفلد^(۲) پرداخت و نمونه مورد استفاده متشکل از ۲۱۰ دانشجوی دوره کارشناسی بود. تأکید عمده در این رویکرد بر این بود که کدام ترکیبات خاص از نمره‌های بالا و پایین نمایانگر گروه‌های بالینی و غیربالینی است. در این پژوهش نوعی تغییر در تمرکز داده‌ها پا به عرصه ظهور نهاد و استفاده از شاخه‌های ترکیبی نمره‌ها مورد بررسی قرار گرفت. میراندا^(۳)، فریورت^(۴) و کرن (۱۹۹۸)، مطالعه دیگری در رابطه با حیطه فرهنگ‌پذیری در مورد گروهی از مهاجران بزرگسال آمریکایی لاتین^(۵) انجام دادند. نتایج نشان داد که مهاجران دوفرهنگی^(۶) (فرهنگ مختلط از فرهنگ آمریکا و خرده‌فرهنگ‌های بومی)، دارای میانگین نمره بالاتر، در خرده‌مقیاس‌های تعلق - علاقه اجتماعی، و مسئولیت‌پذیری، در مقایسه با مهاجرانی هستند که از فرهنگ‌پذیری بالا یا پایینی برخوردار بودند.

در مطالعه‌ای دیگر که در آن غربالگری^(۷) مراجعان مبتلا به اختلال نارسایی توجه - بیش‌فعالی (ADHD) مورد نظر بود، دیتتر از روش‌های ارزیابی مداد کاغذی، بالینی و فیزیولوژیکی استفاده کرد. او دریافت که نمره بالا و پایین در خرده‌مقیاس «کنار آمدن» قابلیت پیش‌بینی و تشخیص مبتلایان به این اختلال را دارا می‌باشد. به‌علاوه افرادی که جزو گروه شبه ADHD بودند یعنی نشانه‌ها را داشتند اما تشخیص در مورد آنها داده

1. Kutchins
3. Miranda
5. latino
7. Screening

2. Langefeld
4. Frevert
6. bicultural latians

نشده بود، را نیز نمره بالا یا پایین در خرده‌مقیاس «کنار آمدن» پیش‌بینی نمود. پیش‌بینی یا جاده‌ی افراد در این دو گروه (ADHD و شبه ADHD)، با دقت ۰/۶۹ با این خرده‌مقیاس انجام‌پذیر بود (کرن و اکستین، ۲۰۰۲).
با توجه به آنچه گفته شد هدف از پژوهشی که انجام شد بررسی روایی و پایایی و هنجاریابی پرسش‌نامه BASIS-A در جمعیت جوانان ۱۸ تا ۴۰ سال ایرانی بود.

سؤال‌های پژوهش

- آیا پرسش‌نامه BASIS-A از پایایی قابل قبولی برخوردار است؟
- آیا پرسش‌نامه BASIS-A از روایی قابل قبولی برخوردار است؟
- ساختار عاملی پرسش‌نامه BASIS-A در بین جوانان ایرانی چگونه است؟
- آیا بین دو جنس در مقیاس‌های پرسش‌نامه BASIS-A تفاوت وجود دارد؟
- هنجارهای پرسش‌نامه BASIS-A کدام است؟

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به موضوع و اهداف از نوع توصیفی همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

کلیه جوانان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر تهران در سال ۱۳۸۴ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است.

حجم نمونه: بین صاحب‌نظران مختلف در خصوص حجم نمونه لازم جهت تحلیل عاملی اختلاف نظر وجود دارد. کامری (۱۹۷۳)، به نقل از هومن، (۱۳۸۰) معتقد است که حجم نمونه ۱۰۰ نفری برای تحلیل عاملی ضعیف، ۲۰۰ نفری نسبتاً مناسب، ۳۰۰ نفری خوب، ۵۰۰ نفری خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفری عالی است. از این رو حجم نمونه بر اساس میزان مورد نیاز جهت انجام تحلیلی عاملی مناسب، نمونه ۵۰۰ نفری در نظر گرفته شد. حجم نمونه در نمونه اصلی تعداد ۱۰۸۳ نفر از جنوب شرقی آمریکا (کارولینای شمالی، جورجیا و تگزاس) بوده است.

روش نمونه‌گیری: نمونه مورد نیاز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به این شرح تأمین گردید، ابتدا شهر تهران از روی نقشه مناطق به چهار قسمت،

شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد. سپس از هر بخش دو منطقه به صورت تصادفی انتخاب، و داخل هر منطقه از طریق نقشه‌های بلوک‌بندی شده توسط شهرداری، نسبت به انتخاب نمونه مورد نظر اقدام گردید.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه مقیاس‌های اساسی آدلری برای موفقیت بین فردی - نسخه بزرگسالان است که توسط کرن، ویلر و کارلت در سال ۱۹۹۳ تدوین گردید. پرسش‌نامه دارای ۶۵ عبارت بسته پاسخ ۵ گزینه‌ای در مقیاس لیکرت است. این گزینه‌ها عبارتند از: «کاملاً موافق»، «موافق»، «بی‌نظر»، «مخالف» و «کاملاً مخالف». نمره‌گذاری گزینه‌ها بر اساس ۱ برای «کاملاً مخالف» تا ۵ برای «کاملاً موافق» و در ۱۷ سؤال معکوس به صورت عکس، تنظیم شده است.

هر ۶۵ جمله با عبارت «وقتی بچه بودم،...» شروع می‌شود و از آزمودنی می‌خواهد که خاطره‌های دوران کودکی خود را به یاد آورده و با گزینه‌های فوق ارزیابی کند. این پرسش‌نامه دارای پنج خرده‌مقیاس اصلی شامل: تعلق - علاقه اجتماعی^(۱)، کنار آمدن^(۲)، مسئولیت‌پذیری^(۳)، نیاز به تأیید^(۴) و محتاط بودن^(۵) و پنج خرده‌مقیاس فرعی حمایتی شامل: سخت‌گیری^(۶)، مستحق بودن^(۷)، مورد علاقه همه بودن^(۸)، کوشش برای رسیدن به کمال^(۹)، و ملایمت^(۱۰) است.

تعلق - علاقه اجتماعی: به ارزیابی احساس تعلق فرد به جامعه می‌پردازد. افرادی که در این مقیاس نمره بالا می‌گیرند گرایش به برون‌گرایی داشته و تعاملات گروهی را ترجیح می‌دهند. و افرادی که نمره پایین می‌گیرند، متمایل به درون‌گرایی بوده و تعاملات فردی با دیگران را بیشتر می‌پسندند.

کنار آمدن: این مقیاس برآورد می‌کند که فرد تا چه اندازه در سه حیطه مربوط به تکالیف زندگی یعنی، ارتباطات اجتماعی، کار، و صمیمیت، از روندی قاعده‌مند پیروی

1. Belonging Social-Interest (BSI)

2. Going Along (GA)

3. Taking charge (Tc)

4. Wanting Recognition (WR)

5. Being Cautious (WR)

6. Harshness (H)

7. Entitlement (E)

8. Liked by All (L)

9. Striving for Perfection (P)

10. Softness (S)

می‌کند. نمره بالا در این مقیاس اغلب تبعیت از قانون و سازمان و نمره پایین معمولاً نادیده گرفتن قانون و یا عملکرد خلاف آن را نشان می‌دهد.

مسئولیت‌پذیری: ارزیابی می‌کند که تا چه اندازه هدایت و رهبری دیگران برای فرد خوشایند و قابل قبول است. کسانی که در این مقیاس نمره بالا کسب می‌کنند، معمولاً در گروه‌های اجتماعی واجد جایگاه برتر و تسلط بر دیگران هستند و تمایل به هدایت دیگران دارند، افراد با نمره پایین، ترجیح می‌دهند که افراد دیگری در کنارشان بوده و مسئولیت رهبری آنها را در موقعیت‌های اجتماعی به عهده بگیرند.

نیاز به تأیید: ارزیابی می‌کند که فرد تا چه اندازه به نظر دیگران اهمیت می‌دهد. افراد با نمره بالا در این مقیاس معمولاً خواستار تأیید مکرر و یا بازخورد مثبت دیگران در کاری که انجام می‌دهند، هستند و افراد با نمره پایین، معمولاً ارزش چندانی برای بازخورد مثبت دیگران قائل نبوده و تا زمانی که احساس می‌کنند وظایف خود را با موفقیت انجام می‌دهند، اظهار نظر منفی دیگران را چندان مهم نمی‌شمارند.

محتاط بودن: برآورد می‌کند که فرد تا چه اندازه در موقعیت‌های بین فردی احساس اعتماد و امنیت می‌کند. نمره بالا در این مقیاس نشان‌دهنده فردی است که معمولاً متمایل به سوءتعبیر اعمال دیگران بوده و در کل فردی بدبین و شکاک است. در حالی که، کسانی که در این مقیاس نمره پایین کسب می‌کنند، معمولاً در برخورد اول با دیگران احساس اعتماد و پذیرش از خود نشان می‌دهند.

مقیاس‌های حمایتی که با سر واژه مخفف (HELPS) از آنها یاد می‌شود عبارتند از: سخت‌گیری: ارزیابی می‌کند که آیا فرد مایل است نسبت به خود دیدگاهی منفی داشته باشد یا خیر.

مستحق بودن: ارزیابی می‌کند که آیا فرد ترجیح می‌دهد که در موقعیت‌های اجتماعی با او به‌عنوان فردی استثنایی و منحصر به فرد رفتار شود یا خیر. مورد علاقه بودن: برآورد می‌کند که آیا فرد به تأیید و تمجید دیگران نسبت به خود اهمیت می‌دهد یا خیر.

کوشش برای رسیدن به کمال: به ارزیابی سطح ساختارگرایی، حل مسئله و مهارت‌های رویارویی با فشار روانی در یک شخص می‌پردازد.

ملایمت: جهت ارزیابی سطح خوش‌بینی فرد در مورد خود و جهان اطراف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش گردآوری اطلاعات

با توجه به حجم نمونه، نمونه‌گیری پس از معرفی پرسش‌نامه و توجیه عملی در مورد نحوه اجرا و دستور عمل اجرایی، با همکاری چند تن از همکاران صورت گرفت. به این منظور با استفاده از نقشه‌های بلوک‌بندی شده، به درب منازل مراجعه شد و پس از جلب رضایت آزمودنی‌ها، اقدام به پر کردن پرسش‌نامه‌ها گردید.

با توجه به این‌که در دستور عمل اجرایی پرسش‌نامه قید شده بود که باید آزمودنی‌ها را تشویق کرد که برداشت اولیه خود از سؤال‌ها را بیان کنند و با دیگران در مورد پاسخ‌ها مشورت و یا بحث و گفتگو نکنند، بنابراین پاسخ‌ها همان زمان جمع‌آوری گردید. به‌طور متوسط زمان صرف شده برای پر کردن هر پرسش‌نامه بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه بود و در حدود یک ماه برای جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها زمان صرف شد. در کل ۵۳۳ پاسخ‌نامه جمع‌آوری شد که پس از بازبینی، ۲۰ پاسخ‌نامه به علت نقص در پاسخ‌گویی و یا اطلاعات زمینه‌ای کنار گذاشته شد و در مجموع ۵۱۳ پاسخ‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

از تعداد ۵۱۳ آزمودنی ۲۳۸ نفر (۴۶/۴٪) مرد و ۲۷۵ نفر (۵۳/۶٪) زن بودند. میانگین سن زن‌ها ۳۲/۱۰ و میانگین سن مردها ۲۶/۲۰ بود. سن آزمودنی‌ها بین ۱۸ تا ۴۰ سال و میانگین سن کل آزمودنی‌ها ۲۹/۳۷ بود.

جدول ۱- رابطه جنسیت با وضعیت تأهل

جمع	بی‌پاسخ	متاهل	مجرد	متغیر جنسیت
۲۳۸	۲	۹۵	۱۴۱	مرد
۲۷۵	۱	۲۴۰	۳۴	زن
۵۱۳	۳	۳۳۵	۱۷۵	جمع

همان طور که اطلاعات جدول ۱ نشان می دهد، بیشترین فراوانی مربوط به افراد متأهل است و تعداد ۳۳۵ نفر از کل نمونه مورد بررسی را شامل می شود.

جدول ۲- رابطه جنسیت با میزان تحصیلات

جمع	بی پاسخ	بالای لیسانس	فوق دیپلم و لیسانس	دیپلم	زیر دیپلم	منفیر جنسیت
۲۳۸	۱	۸	۵۳	۱۲۵	۵۱	مرد
۲۷۵	۳	۸	۶۸	۱۴۱	۵۵	زن

اطلاعات جدول ۲ نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به افراد با میزان تحصیلات دیپلم (پیش دانشگاهی) و کمترین فراوانی مربوط به افراد با تحصیلات بالای لیسانس است.

سؤال اول پژوهش: آیا پرسش نامه BASIS-A از پایایی قابل قبولی برخوردار است؟ برای پاسخ به این سؤال از دو روش بازآزمایی و همسانی درونی استفاده شده است. ضرایب بازآزمایی در اجرای مقدماتی با فاصله زمانی ۲ تا ۳ هفته ای بر روی ۸۰ نفر (۴۰ زن و ۴۰ مرد) برای ۵ مقیاس اصلی بین ۰/۵۷۰ تا ۰/۷۶۰ برآورد شده است. همچنین همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در دو مرحله محاسبه گردیده است. جهت برآورد پایایی پرسش نامه BASIS-A استفاده شده است.

الف - محاسبه پایایی کل پرسش نامه BASIS-A با ۶۵ سؤال بر اساس آلفای کرونباخ نتایج به دست آمده نشان داد که از تعداد ۶۵ سؤال، تنها ۳ سؤال در صورت حذف، ضریب آلفای کل به دست آمده (۰/۸۰) را افزایش می دهد.

ب - محاسبه پایایی پرسش نامه پس از حذف سؤالها
ضریب آلفای محاسبه شده در خرده مقیاسها پس از حذف سه سؤال در پرسش نامه ۶۲ سؤالی برای مقیاسهای اصلی در طیفی میان ۰/۶۵ تا ۰/۷۵ محاسبه گردیده است.

سؤال دوم پژوهش: آیا پرسش نامه BASIS-A از روایی قابل قبولی برخوردار است؟ در این پژوهش جهت بررسی روایی، از روایی محتوایی صوری و روایی سازه استفاده شده است. به منظور بررسی روایی صوری ابتدا پرسش نامه ترجمه و ترجمه معکوس گردیده است. سپس توسط ۳۰ تن از جمله اساتید و دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مشاوره مورد بررسی قرار گرفته و نظرهای اصلاحی آنها اعمال گردیده است.

همچنین جهت بررسی روایی سازه، از تحلیل عاملی استفاده شد. تحلیل عامل‌های پرسش‌نامه منجر به استخراج ۵ عامل اصلی و ۵ عامل فرعی گردید و با توجه به وجود همبستگی بالا بین عامل‌های به دست آمده و عامل‌های پرسش‌نامه اصلی می‌توان چنین استنباط نمود که پرسش‌نامه می‌تواند با ۵ عامل اصلی و ۶ عامل فرعی در نمونه ایرانی دارای روایی قابل قبول باشد.

جدول ۳- ماتریس شاخص‌های آماری پس از چرخش

Component										
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۰.۱۶۷۵	Q ۲۴
									۰.۱۶۵۲	Q ۱۴
									۰.۱۶۴۳	Q ۲۹
									۰.۱۵۸۴	Q ۱۹
									۰.۱۵۵۸	Q ۹
									۰.۱۵۵۷	Q ۱۶
									۰.۱۴۵۳	Q ۱۱
								۰.۱۷۲۶		Q ۶۲
								۰.۱۶۹۷		Q ۵۲
								۰.۱۶۹۶		Q ۴۷
								۰.۱۶۱۷		Q ۴۲
								۰.۱۵۴۸		Q ۳۲
								۰.۱۵۴۶		Q ۱۷
								۰.۱۴۸۹		Q ۳۷
								۰.۱۳۴۶		Q ۲۷
								۰.۱۳۴۲		Q ۵۵
								۰.۱۳۲۶		Q ۵۶
							۰.۱۶۹			Q ۱۸
							۰.۱۶۱۲			Q ۲۳
							۰.۱۶۰۴			Q ۲۸
							۰.۱۵۸۹			Q ۸
							۰.۱۵۷۴			Q ۱۳
							۰.۱۵۰۸			Q ۳
							۰.۱۵۰۶			Q ۳۴
							۰.۱۵۰۵			Q ۲۸
						۰.۱۶۰۹				Q ۲۰

					•۱۵۸۶			Q ۱۵
					•۱۵۶۲			Q ۱۰
					•۱۵۴۴			Q ۱۲
					•۱۵۳۸			Q ۵
				•۱۵۸۲				Q ۲۶
				•۱۵۷۹				Q ۳۱
				•۱۵۰۱				Q ۵۷
				•۱۴۰۷				Q ۶
				•۱۴۰۴				Q ۲۱
				•۱۴۰۱				Q ۱
				•۱۳۴۸				Q ۲۲
			•۱۶۷۹					Q ۶۰
			•۱۵۱۸					Q ۵۰
			•۱۴۸۲					Q ۴۰
			•۱۴۷۹					Q ۳۹
			•۱۴۱۵					Q ۴۹
		•۱۶۰۶						Q ۶۴
		•۱۵۷						Q ۳۳
		•۱۵۵۸						Q ۲۶
		•۱۴۵۵						Q ۴۱
		•۱۳۱۹						Q ۴
		•۱۳۰۸						Q ۳۵
	•۱۷۳۳							Q ۴۶
	•۱۶۵۵							Q ۵۱
	•۱۵۹۸							Q ۶۱
	•۱۴۹۸							Q ۷
	•۱۴۳۲							Q ۲
	•۱۳۲							Q ۴۵
	•۱۵۵۴							Q ۵۴
	•۱۵۱۷							Q ۴۴
	•۱۴۲۸							Q ۵۹
•۱۵۶۲								Q ۶۵
•۱۵۰۶								Q ۵۸
•۱۴۶۶								Q ۴۸
•۱۴۶۲								Q ۶۳
•۱۴۵۵								Q ۵۳

سؤال سوم پژوهش: ساختار عاملی پرسش‌نامه BASIS-A در بین جوانان ایرانی چگونه است؟

جهت پاسخگویی به این سؤال، پاسخ‌های نمونه مورد بررسی به سؤال‌های پرسش‌نامه توسط نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. به این منظور ابتدا آزمون KMO بزرگتر از $0/6$ باشد به راحتی می‌توان تحلیل عاملی انجام داد و هرچه این مقدار بزرگتر باشد، نمونه مناسب‌تر است. همچنین نتایج آزمون بارتلت نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی دارای اطلاعات معنادار بوده و شرایط لازم جهت تحلیل عاملی وجود دارد.

استخراج عامل‌ها از ماتریس همبستگی نشان داد که پرسش‌نامه به ۱۰ عامل تقسیم شده است. با توجه به ملاک‌هایی از جمله کیس و آزمون اسکری کتل ۱۰ عامل جهت چرخش با توجه به مقدار واریانس تبیین شده توسط هر عامل و نمودار اسکری انتخاب شد. ۵ عامل با ارزش ویژه بالاتر از ۲ به عنوان عامل‌های اصلی و ۵ عامل با ارزش ویژه بالاتر از ۱ به عنوان عامل‌های فرعی روی هم رفته $45/34$ درصد واریانس کل را تبیین می‌کرد. تحلیل عامل‌ها پس از ۱۶ بار چرخش از نوع واریماکس به بهترین ساختار عاملی رسیده و ارزش عاملی، تعداد سؤال‌ها و واریانس تبیین شده توسط هر عامل مشخص گردید. نام‌گذاری عامل‌ها با توجه به محتوای سؤال‌های هر مقوله و بررسی همبستگی عامل‌های به دست آمده و عامل‌های پرسش‌نامه اصلی صورت گرفته است.

عامل اول به دست آمده با عامل نیاز به تأیید بالاترین همبستگی ($r = 0/71$) را داشت و نیاز به تأیید نامیده شد. عامل دوم با عامل کنار آمدن ($r = 0/94$)، عامل سوم با عامل مسئولیت‌پذیری ($r = 0/95$)، عامل چهارم با عامل محتاط بودن ($r = 0/84$)، و عامل پنجم با عامل تعلق - علاقه اجتماعی ($r = 0/83$)، بیشترین همبستگی را داشته و به این نام‌ها نامیده شدند.

در مقیاس‌های فرعی نیز، عامل ششم با عامل کوشش برای رسیدن به کمال ($r = 0/513$)، عامل هشتم با عامل مستحق بودن ($r = 0/925$)، عامل نهم با عامل مورد علاقه همه بودن ($r = 0/838$)، و عامل دهم با عامل ملایمت ($r = 0/617$) بیشترین همبستگی را داشته و به این نام‌ها نامیده شدند. همچنین عامل هفتم با هیچ‌یک از

عامل‌های پرسش‌نامه اصلی همبستگی بالایی جهت نام‌گذاری نداشت اما به دلیل این‌که با سه مقیاس پرسش‌نامه همبستگی بالای ۰/۴۵ داشت و در صورت حذف سؤال‌های این مقیاس از ضریب آلفای کل کاسته می‌شد، لذا این مقیاس تحت عنوان عامل فرعی جانبی در پرسش‌نامه حفظ شد.

سؤال چهارم پژوهش: آیا بین دو جنس در مقیاس‌های پرسش‌نامه BASIS-A تفاوت وجود دارد؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال میانگین نمره‌های دو گروه در ۵ مقیاس اصلی با استفاده از آزمون t برای دو گروه مستقل مقایسه شد و نتایج نشان داد که بین دو گروه در سه عامل نیاز به تأیید، مسئولیت‌پذیری و تعلق - علاقه اجتماعی تفاوت معنادار وجود ندارد و در عامل کنار آمدن و محتاط بودن بین دو گروه تفاوت معنادار بوده و مردها نسبت به زنها در این دو عامل نمره بیشتری داشتند. بنابراین برای هر دو گروه می‌توان از یک جدول نرم که از نمره کل افراد به دست آمده است، استفاده نمود.

سؤال پنجم پژوهش: هنجارهای پرسش‌نامه BASIS-A کدام است؟

چون تفسیر نمره‌های خام آزمون به سادگی امکان‌پذیر نیست، بنابراین در ابتدا میانگین، انحراف معیار، و حداقل و حداکثر نمره کسب شده در هر یک از خرده‌مقیاس‌ها محاسبه شده و سپس نمره‌های خام در هر مقیاس به نمره Z با میانگین صفر و انحراف معیار ۱ و سپس به نمره T با میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ تبدیل گردید تا تعبیر، تفسیر و مقایسه نمره‌ها امکان‌پذیر شود.

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار عامل‌های به دست آمده

شخص آماری	خرده‌مقیاس‌ها	نیاز به تأیید (WR)	کنار آمدن (GA)	مسئولیت‌پذیری (TC)	محتاط بودن (BC)	تعلق - علاقه اجتماعی (BSI)
میانگین	۲۶/۹۰	۲۷/۵۰	۲۵/۷۹	۱۱/۷۴	۲۸/۴۷	
انحراف معیار	۴/۷۷	۷/۱۶	۵/۸۳	۴/۲۸	۳/۶۳	
حداقل نمره	۱۱	۱۰	۱۱	۵	۹	
حداکثر نمره	۳۵	۵۰	۴۰	۲۴	۲۵	

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در پاسخ به سؤال اول مبنی بر آن‌که، پرسش‌نامه BASIS-A از پایایی قابل قبولی برخوردار است؟ با بررسی و تحلیل پاسخ‌های نمونه مورد نظر به ۶۵ سؤال پرسش‌نامه منجر به حذف ۳ سؤال شد که با حذف این سؤال‌ها ضریب آلفای کل مقیاس افزوده می‌شد. سازندگان آزمون همسانی درونی این ابزار را برای ۵ مقیاس اصلی در طیفی میان ۰/۸۲ تا ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش همسانی درونی برای ۵ مقیاس اصلی در طیفی میان ۰/۶۵ تا ۰/۷۸ محاسبه گردیده است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش مبنی بر آن‌که، آیا پرسش‌نامه BASIS-A از روایی قابل قبولی برخوردار است؟ از دو روش روایی محتوایی صوری و روایی سازه استفاده شد. در روایی صوری، پرسش‌نامه پس از ترجمه و ترجمه معکوس و گرفتن نظر اصلاحی اساتید محترم، توسط ۳۰ تن از جمله اساتید و دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مشاوره مورد ارزیابی قرار گرفت و از میانگین قابل قبولی (۰/۷۵۰) برخوردار بود. همچنین جهت بررسی روایی سازه، از تحلیل عاملی استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها همانند نمونه اصلی منجر به استخراج ۵ عامل اصلی و ۵ عامل فرعی شد.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، با این مضمون که، ساختار عاملی پرسش‌نامه BASIS-A در بین جوانان ایرانی چگونه است؟ نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که این پرسش‌نامه با ۶۲ سؤال، در بین نمونه دارای ۵ عامل اصلی می‌باشد. از ۵ عامل فرعی به دست آمده، ۴ عامل آن با ۴ عامل پرسش‌نامه اصلی دارای همبستگی بالا بود و عامل پنجم همبستگی بالایی با عامل باقی مانده نشان نداد همبستگی پایین این مقیاس با مقیاس فرعی موجود در پرسش‌نامه اصلی، احتمالاً ناشی از تفاوت‌های فرهنگی این نمونه با نمونه مورد مطالعه در جامعه اصلی بوده و پژوهش‌های آتی با تعداد نمونه بیشتر می‌توانند در این زمینه پژوهش حاضر را یاری دهند.

سؤال چهارم پژوهش به بررسی این مطالعات می‌پردازد که، آیا بین دو جنس در مقیاس‌های پرسش‌نامه BASIS-A تفاوت وجود دارد؟ مقایسه میانگین نمره‌ها در دو جنس بیانگر این نکته بود که در دو مقیاس کنار آمدن و محتاط بودن تفاوت بین دو جنس معنادار بود و میانگین نمره در مردها بالاتر از زن‌ها بود و بررسی این امر در مطالعات تجربی آینده قابل تأمل است.

نتایج حاصل از این پژوهش در پاسخ به سؤال پنجم با این مضمون که هنجارهای پرسش‌نامه BASIS-A کدام است؟ با استفاده از نمره‌های Z و T داده‌های لازم را ارائه داد و چون در سه مقیاس از پنج مقیاس اصلی تفاوت معنادار نبود به ارائه یک جدول نرم برای هر دو جنس پرداخت.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در زمینه‌های زیر کاربرد داشته باشد:

- افزایش درک از پویایی‌های مراجع برای درمانگر در مدت زمان کوتاه.
- افزایش آگاهی در مورد روابط بین فردی و تفاوت‌های موجود در روابط خانوادگی.
- به‌کارگیری در مراکز مشاوره در زمینه مشاوره خانواده، شغلی و تحصیلی.
- شناسایی چگونگی شکل‌گیری شیوه زندگی افراد در ابتدای کودکی و تأثیر آن در عملکرد فعلی خود فرد و زندگی خانوادگی و اجتماعی.
- کمک به فرد برای افزایش درک از خود به وسیله شناسایی شیوه زندگی و به‌کارگیری آن در ارتقا سطح بهداشت روانی و عملکرد اجتماعی.
- کمک به اساتید جهت آموزش و ارزیابی عملکرد مشاوران.
- استفاده در کارگاه‌های آموزش والدین و به‌کارگیری در جهت آموزش شیوه‌های فرزندپروری.
- کمک به معلم‌ها در شناخت شیوه تدریس خود و شیوه کنترل کلاس درس.
- به‌کارگیری در سازمان‌ها جهت ایجاد انگیزه و درک متقابل سرپرست و کارکنان از یکدیگر و درک ارتباط بین شیوه‌های شخصی با شیوه‌های رهبری و مدیریت.

منابع

- آدلر، آ. (۱۳۷۰). روانشناسی فردی. ترجمه زمانی شرفشاهی. چاپ دوم. تهران: انتشارات تصویر.
- پروچاسکا، ج. او. و نورکراس، ج. سی. (۱۳۸۳). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه ی، سیدمحمدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات رشد.
- شولتز، د. (۱۳۷۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه بحیرایی و همکاران. تهران: انتشارات ارسباران.
- شیلینگ، ل. (۱۳۷۲). نظریه‌های مشاوره (دیدگاه‌های مشاوره). ترجمه خ، آریسن. چاپ سوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
- عزیززاده، ح. (۱۳۸۳). پیشگام روانکاوی جامعه‌نگر: آدلر. تهران: نشر دانژه.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۰). تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری. تهران: انتشارات نشر پارسا.

- Adler, A. (1993). *What Life Should Mean to You*. NY: Unwin Books [ch.2 onlin]. Available://www.Marxists.org/reference/subject/philosophy/works/at/adler.htm.
- Ansbacher, H.L. & Ansbacher, R.R. (1956). *The individual psychology of Alfred Adler*. (2nd ed.). New York: Harper & Row.
- Dinter, L.D. (2000). The Relationship between self-efficacy and lifestyle patterns. *The Journal of Individual Psychology*, 56(4), 462-473.
- Hafner, J.L.; Fakouri, M.E. & Laberentz, H.L. (1982). First memories of Normal and alcoholic individuals. *Individual Psychology*, 38, 238-2.
- Jackson, M. & Sechrest, L. (1962). Early recollection in four neurotic diagnostic categories. *Journal of Individual Psychology*, 18, 52-56.
- Kemp, D.E. & Center, D.B. (2000). Troubled children grown-up: Antisocial Behavior in young adult criminals. *Education and Treatment of Children*. 23(3), 223-238.
- Kern, R.M. & Eckstein, D. (2002). *Psychological Fingerprints: Lifestyle Assessments and Intervention*. Iowa, Kendall/Hurt Publishing Company.
- Kern, R.; Edwards, D.; Flowers, C.; Lambert, R. & Belangee, S. (1999). Teachers lifestyles and their perceptions of students behaviors. *The Journal of Individual Psychology*, 55(4), 422-436.
- Kern, R.M.; Wheeler, M. & Curlette, W. (1997). *BASIS-A inventory Interpretative Manual*. Highlands, NC: TRT Associates.
- Kline, T.J.B. (1960). *Psychological Testing: A Practical Approach to Design and Evaluation*. CA: Sage Pub.
- Kutchins, K.; Curlette, W.L. & Kern, R.M. (1997). To what extent is there a relationship between personality priorities and lifestyle themes. *The Journal of Individual Psychology*, 57(1), 67-77.
- Miranda, A.; Frevert, V. & Kern, R. (1998). Lifestyle differences between bicultural and low-and-high acculturation-level Latino adults. *The Journal of Individual Psychology*, 54(1), 119-134.
- Mosak, H.H. & Maniaci, M.P. (1999). A primer of Adlerian psychology: *The Analytic Behavioral Cognitive*. Philadelphia: Brunner/Mazel.
- Sharf, R. (1996). *Theories of psychotherapy and counseling*. American, Brooks/Cole.

- Snow, J.; Ritter, K. & Kern, R.M. (2002). *Making the Lifestyle concept measurable*. Psychological Fingerprints: Lifestyle Assessments and Intervention. In Eckstein, D., & Kern, R. M. (Eds.) Iowa, Kendall/Hurt Publishing Company.
- Stein, H.T. & Edwards, M.E. (2006). Classical Adlerian Theory and Practice. [online]. Available: <http://ourword.compuserve.com/homepages/hstein/theoprac.htm>.
- Stein, H.T. (2002). Macro-Concept Map of the Style of Life. [online]. Available: <http://ourworld.com/homepages/hstein/home>.
- Stein, H.T. (1991). The Feeling of Community. [online]. Available: <http://ourworld.compuserve.com/homepages/hstein/homepages.htm>.
- Summers, Y.; kern, R.; Gfroerer, K.; Curlette, W. & Matheny, K. (1996). Life-style, personality, and stress coping. *Individual Psychology*, 52(1), 42-53.
- Thompson, C.L. & Rudolph, L.B. (2000). *Counseling Children* (5 th). Belmont, CA: Brooks/Cole.